

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و فضای کسب‌وکار با

تمرکز بر تجارت

دکتر فتح‌اله تاری*

سعید غلامی باغی**

به علت شرایطی که در بستر اقتصاد دولتی پدید آمده، بهره‌وری در هر دو بخش خصوصی و دولتی در سطح نازلی قرار گرفته و انتقال فعالیت‌های اقتصادی از بخش دولتی به بخش غیردولتی بدون توجه به الزامات آن نه تنها کشور را به کارایی اقتصادی توأم با عدالت اجتماعی نخواهد رساند بلکه می‌تواند کاهش رشد اقتصادی و سطح تولید را نیز در پی داشته باشد. در این مقاله با استفاده از روش گردآوری اطلاعات و توجه به شاخص‌های بین‌المللی و جایگاه ایران در میان شاخص‌های مختلف فضای کسب‌وکار بر این هدف تأکید می‌شود که دستیابی به اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴، با تمرکز بر واگذاری فعالیت‌ها امکان‌پذیر نبوده و کلید تحقق این اهداف، توانمندسازی بخش غیردولتی و توسعه فضای کسب‌وکار با استفاده از تعاملات گسترده، آسان و فزاینده در فضای اقتصادی است. مقاله حاضر ضمن بررسی و معرفی شاخص‌های مختلف فضای کسب‌وکار با تمرکز بر شاخص تجارت خارجی به این نتیجه می‌رسد که اصلاح فضای کسب‌وکار یکی از پیش‌زمینه‌ها و الزامات اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و دستیابی به اهداف این سیاست‌هاست.

کلیدواژه‌ها: اطلاعات انجام کسب‌وکار؛ شاخص‌های انجام کسب‌وکار؛ رشد اقتصادی؛ بخش خصوصی؛ اقتصاد رسمی

* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

E-mail: tarifath@gmail.com

** پژوهشگر گروه بازرگانی دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

E-mail: gholami@research.majlis.ir

مقدمه

شرایط اقتصاد کشور در چند دهه گذشته و عدم حصول نتایج مورد انتظار برای ارتقای بهره‌وری و اصلاح فضای کسب‌وکار در بخش خصوصی موجب شده است تا بهره‌وری کل اقتصاد در سطح نازلی قرار گیرد. از این‌رو استفاده از ابزار خصوصی‌سازی و واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی به‌تنهایی مفید نبوده و دستیابی به اهدافی مانند افزایش کارایی اقتصادی، ارتقای سطح بهره‌وری، ایجاد فضای رقابتی و توسعه عدالت اجتماعی در گرو اصلاح فضای کسب‌وکار و تعامل و ارتباط آن با اقتصاد جهانی است. در انجام این اصلاحات، توجه به بخش خارجی اقتصاد بسیار ضروری است، زیرا توسعه فضای کسب‌وکار با تکیه بر ظرفیت‌ها و تقاضای داخلی (نگاه درون‌نگر) مولد فضایی خواهد بود که نظام اقتصادی کشور را در چند سال آینده مجدداً نیازمند اصلاحات اساسی خواهد کرد.

هر چند در مدیریت و توسعه زنجیره‌ای، تمامی بخش‌های فضای کسب‌وکار زنجیره‌ی مکمل یکدیگرند، ولی تناسب و تعادل فضای کسب‌وکار در رونق بخش تجارت منعکس می‌شود و نشان‌دهنده سطح مطلوبیت فضای کسب‌وکار است.

افزایش ظرفیت کشورهای توسعه‌یافته در برخورداری از روش‌های تجاری و بازرگانی جدید سبب رشد فزاینده‌ای در حجم تجارت جهانی در دهه گذشته شده و این کشورها با بهره‌گیری از بازارهای جهانی، به بهبود شاخص‌های رفاه اقتصادی خویش نیز پرداخته‌اند. حال چنانچه کشوری به هر علت نتواند به بهبود این فضا بپردازد در آینده‌ای نه چندان دور، در حاشیه رقابت‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد و بسیاری از فرصت‌های کسب‌وکار را به سود دیگران از دست می‌دهد. بنابراین لازم است هماهنگ با تحولات جهانی در عرصه تجارت، به اصلاح ساختارها، برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و ابزارها نیز پرداخت.

تحولات گسترده فضای تجارت جهانی موجب دگرگونی ساختارها و نگرش‌های تجاری شده و هماهنگی سیاست‌ها با این اصلاحات، مستلزم تحول در فناوری، روش‌ها و پیدایش شیوه‌های نوین تجاری است. رهنمودهای اعمال بهترین روش‌ها در تمامی جنبه‌های مختلف تجارت بین‌الملل بر تعامل بخش‌های مختلف اقتصادی متمرکز بوده و نیل به رشد تجارت خارجی و دستیابی به بازارهای جدید، نه‌تنها مستلزم اتخاذ سیاست‌های تجاری بر اساس مبانی اقتصادی است، بلکه نیازمند اصلاح و ارتقای کارایی در کل فرایند تجارت است. از این‌رو نیل به ابزارها و شیوه‌های نوین تجاری همراه با سیاست‌گذاری یکپارچه برای توسعه هماهنگ بخش‌های مختلف ضروری است. اصلاح فضای کسب‌وکار در تجارت خارجی با

هدف بهره‌گیری از برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، ابزارها، شیوه‌ها و روندهای نوین تجارت بین‌المللی رویکردی است که یکی از مؤلفه‌های اصلاح فضای کسب‌وکار کل کشور است که در راستای اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مدنظر این مقاله قرار گرفته است.

۱ اهمیت موضوع

یکی از اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی با اکثریت آرا به تصویب رسید، اصل ۴۴ است که در آن به تفکیک به بخش‌های مختلف اقتصادی کشور اشاره شده و حدود، اهداف، تفصیل ضوابط، قلمرو و شرایط آن‌ها نیز در این اصل قید شده است.

هدف عمده اصل ۴۴ قانون اساسی تفکیک و تبیین بخش‌های مختلف نظام اقتصادی کشور و تصریح بخش‌های دولتی^۱، تعاونی^۲ و خصوصی^۳ است. قانون‌گذار برای حمایت از فعالیت‌های ذیل این بخش‌ها، چهار قید: تطابق با اصول دیگر، عدم خروج از محدوده قوانین اسلام، رشد و توسعه اقتصادی و عدم ایجاد زیان در جامعه را مدنظر قرار داده بود.^۴

بعد از گذشت ۲۵ سال از تصویب قانون اساسی، مقام معظم رهبری در خرداد سال ۱۳۸۴ با توجه به وظایف و اختیارات مندرج در بند «۱» اصل ۱۱۰ قانون اساسی^۵ و با اشراف به فضای حاکم بر اقتصاد کشور و لزوم رشد و توسعه اقتصادی و عدم ایجاد زیان در جامعه، سیاست‌های کلی ناظر بر اصل ۴۴ قانون اساسی را ابلاغ کردند.

سیاست‌های ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری^۶ هفت هدف عمده را دنبال می‌کند که به طور خلاصه می‌توان به افزایش رشد اقتصادی، گسترش مالکیت، ارتقای کارایی، افزایش رقابت‌پذیری، کاهش بار مالی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح اشتغال و تشویق مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اشاره کرد.

دستیابی به این اهداف از طریق اجرایی شدن سیاست‌هایی محقق می‌شود که در سه

1. Public Sector
2. Cooperation Sector
3. Private Sector

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با رعایت اصلاحات سال ۱۳۶۸)، شورای بازنگری قانون اساسی، اداره تبلیغات و انتشارات، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، صص ۷۰-۷۱، ۱۳۸۲.

۵. همان، ص ۱۰۷.

۶. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری.

محور گسترش فعالیت بخش خصوصی بند «الف»، گسترش فعالیت بخش تعاونی بند «ب» و واگذاری فعالیت‌های بخش دولتی بند «ج»^۱ قصد دارد ترکیب فعالیت‌ها و بخش‌های اقتصادی کشور را بهبود بخشد، این اقدام از دو طریق گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی و تعاونی و واگذاری فعالیت‌های بخش دولتی مدنظر قرار گرفته است. هرکدام از این اقدامات مستلزم ایجاد زمینه و فراهم شدن الزاماتی است که بخشی از آن‌ها در سیاست‌های کلی ابلاغی پیش‌بینی شده و بخشی دیگر نیز با توجه به توصیه مقام معظم رهبری مبنی بر تصویب قوانین جدید و حتی تغییر در قوانین موجود باید با همکاری دولت و مجلس محقق شود. بیش‌تر الزامات مورد نظر سیاست‌های کلی که در مجامع تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور بحث و بررسی شده است به الزامات واگذاری مربوط است و تنها در جزء ۱-۱ ذیل بند «د» به توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در ایفای فعالیت‌های گسترده و اداره بنگاه‌های اقتصادی بزرگ در ذیل الزامات واگذاری اشاره شده است.

در بحث واگذاری، مشکلات و موانع متعددی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: ناتوانی بورس در جذب منابع، تردید در تأمین منابع لازم برای خرید سهام، فرهنگ ریسک‌گریزی در جامعه و... این مشکلات دستیابی به اهداف را با تردیدهایی مواجه می‌کنند، بنابراین شایسته است توجه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران به بند «الف» مبنی بر توسعه فعالیت‌های بخش غیردولتی نیز معطوف شود تا با ارائه راهکارهای اجرایی - سیاست لازم و ملزوم و مکمل بند «ج» درباره واگذاری‌ها - ابهامات موجود در دستیابی به اهداف جبران شود.

با توجه به فضای حاکم بر اقتصاد کشور که حجم بالایی از سرمایه‌گذاری‌ها را بخش دولتی انجام می‌دهد، واگذاری بی‌برنامه فعالیت‌های بخش دولتی و تضعیف آن بدون افزایش قدرت بخش خصوصی برای جذب و ادامه فعالیت‌ها می‌تواند باعث کاهش نرخ رشد اقتصادی^۲ و تولید ناخالص داخلی^۳ شود که نه تنها هدف کارایی توأم با عدالت حاصل نخواهد شد، بلکه اختلال در نظام اقتصاد کلان کشور را نیز در پی خواهد داشت.

به‌همین دلیل توجه ویژه به الزامات گسترش فعالیت بخش خصوصی در کنار الزامات واگذاری، ضروری بوده و نیازمند مطالعات و بررسی‌های گسترده‌ای در این زمینه است. یکی از محورهای ضروری در زمینه توانمندسازی بخش خصوصی نگاه ویژه به بخش

۱. بند «ج» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی ۱۳۸۵/۴/۱۱ مقام معظم رهبری.

2. Economic Growth

3. Growth Domestic Product (GDP)

اقتصاد کسب‌وکار^۱ و دستیابی به سیاست‌هایی در راستای افزایش انگیزه کسب‌وکار^۲ است که با بررسی‌ها و اصلاحاتی در حوزه تجارت و حقوق بازرگانی میسر می‌شود. با نگاهی جامع‌تر به بخش کسب‌وکار^۳ می‌توان فضای حاکم بر آن را تجزیه و تحلیل کرد و با بررسی اطلاعات کسب‌وکار^۴ به آسیب‌شناسی فضای کسب‌وکار به‌خصوص در بخش تجارت خارجی که پیش‌زمینه اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است پرداخت.

۲ ادبیات موضوع

گزارش «کسب‌وکار در سال ۲۰۰۶ (ایجاد مشاغل)»^۵ یکی از گزارش‌های سالیانه بانک جهانی است که با استفاده از اطلاعات کسب‌وکار به بررسی مقرراتی می‌پردازد که فعالیت کسب‌وکار را ارتقا داده یا آن‌ها را محدود می‌کند. شاخص‌های کسب‌وکار^۶ در این گزارش به ۱۰ حوزه مجزا تقسیم می‌شوند که اصلاح فضای کسب‌وکار در گرو اصلاح هرکدام از این حوزه‌هاست. این گزارش بعد از مروری بر فضای کسب‌وکار در ۱۰ فصل مجزا به شاخص‌های کسب‌وکار اشاره کرده و در هر قسمت مشخص می‌کند که از میان ۱۵۵ کشور بررسی شده کدام کشورها به اصلاحاتی در این شاخص‌ها اقدام کرده و چه اقداماتی را انجام داده و دلایل اقدامات چه بوده است؟

نکته مهمی که در این گزارش بر آن تأکید شده آن است که مراحل اداری پیچیده و هزینه‌های تحمیلی باعث می‌شود ورود بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی به بخش رسمی، پرهزینه و دشوار شود. اصلاحات در ۱۰ محور پیشنهادی این گزارش موجب می‌شود که کارآفرینان و بنگاه‌های فضای کسب‌وکار راحت‌تر به خلق ثروت بپردازند.^۷ در این گزارش‌ها وضعیت فضای کسب‌وکار کشورهای مختلف ارزیابی می‌شود و

1. Business Economics
 2. Business-motive
 3. Business Sector
 4. Doing Business Database (DBD)
 5. Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank and the International Finance Corporation, 2006.
 6. Doing Business Indicators
۷. این گزارش با عنوان ذیل در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در حال ترجمه است: «بانک جهانی و شرکت تأمین مالی بین‌الملل» (در حال انجام در سال ۱۳۸۶)، «انجام کسب‌وکار در سال ۲۰۰۶ (ایجاد فرصت‌های شغلی)»، مترجم جعفر خیرخواهان، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

ویژگی‌های جاری در این فضا در ارتباط با هریک از کشورها تشریح شده است که در ادامه چند نمونه آن ذکر می‌شود.

گزارش «فضای کسب‌وکار در افغانستان»^۱ در ۱۰ فصل مختلف به تشریح و تبیین فضای اقتصادی و کسب‌وکار این کشور می‌پردازد و چشم‌اندازی از بازارهای آن را ارائه می‌دهد. در فصل پنجم این مجموعه، مقررات تجاری و الگوهای موجود تشریح شده و به مباحث متنوعی مانند تعرفه وارداتی، موانع تجاری، الزامات موجود، کنترل‌های صادراتی، مراحل ثبت، و الزامات بازار و... پرداخته می‌شود. ناکارایی زیرساخت‌های موجود، رکود حاکم بر قوانین و نظام‌های بازرگانی، سطح بالای فساد، بی‌ثباتی اقتصادی و التزام به پیمان‌های منطقه‌ای مهم‌ترین موانع پیش‌روی تجارت در این کشور است و اطلاع‌رسانی و ارائه مشخصات فضای کسب‌وکار با هدف شفاف‌سازی مسیر تجارت یکی از راه‌حل‌های مشکلات و موانع است.

گزارش «فضای کسب‌وکار در کانادا»^۲ در فصول و عناوین متعدد و مختلف به ارائه مختصات و مشخصات تنظیمات تجاری در کانادا پرداخته و در چارچوبی منطبق با قانون اساسی این کشور، فضای تجارت خارجی، الگوهای تولیدی، سرمایه‌گذاری مالی و مهاجرتی را تشریح کرده است. در این مجموعه به قوانین متعددی مانند قوانین محیطی، طبقه‌بندی کالاها، ضد تراست، تکنولوژی اطلاعات، بانکی، اشتغال، دارایی‌ها، بیمه و حقوق مالکیت شخصی اشاره شده است. بخش تجارت بین الملل یکی از مهم‌ترین فصول این گزارش است که به بررسی تأثیر ابزارهای مختلف تجاری بر رشد سطح تجارت در کانادا می‌پردازد. عواملی مانند عوارض گمرکی، ارائه گزارش‌های آماری از گمرک، قوانین ضد دامپینگ، ارائه تسهیلات مالی، وضع مالیات بر کالاهای تجاری، استفاده از پیمان‌های منطقه‌ای، عضویت در سازمان تجارت جهانی و... از مهم‌ترین عواملی هستند که بر تعیین استراتژی مشخص برای تنظیم و کنترل روابط تجاری مؤثر هستند.

گزارش «فضای کسب‌وکار در روسیه»^۳ اهداف متعددی را دنبال می‌کند. این گزارش سعی دارد با بیان مقدمه‌ای کلی به موضوع انگیزش و تفکر در فضای کسب‌وکار خارجی پرداخته و سطح سرمایه‌گذاری را افزایش داده و کسب‌وکار در روسیه را رونق بخشد. با توجه

1. "Doing Business in Afghanistan: A Country Commercial Guide for U.S. Companies", International Copyright U.S. Foreign Commercial Service and U.S. Department of State, 2005. all Rights Reserved Outside of the United States
2. "Doing Business in Canada" Lang Michener LLP, Langmichener.ca.
3. "Doing Business in Russia", KPM international, a Swiss Cooperative, April 2006.

به اینکه فضای کسب‌وکار و محیط پیرامون آن پیوسته در حال تغییر است و کسب اطلاعات درباره فضای کسب‌وکار و توجه به آن می‌تواند به توضیح شرایط غیر قطعی و متغیر کنونی بپردازد، این گزارش قصد دارد با پیش‌بینی تغییرات فضای کسب‌وکار به تعیین میزان اصلاحات لازم بپردازد؛ در نتیجه ضروری می‌داند که اطلاعات گوناگون فضای کسب‌وکار و اقداماتی را که در این زمینه انجام می‌دهد با مشورت مشاوران واجد شرایط و اخذ اطلاعات از آنان باشد. با توجه به این اصول فصلی مجزا از فضای کسب‌وکار در روسیه به بحث تنظیم دادوستد خارجی اختصاص یافته و به انواع محدودیت‌ها، بخش‌ها و قوانین مربوطه می‌پردازد. گزارش «فضای کسب‌وکار در آمریکا»^۱ در قالب کتابچه‌ای مختصر، به طراحی و تأمین چشم‌انداز و چارچوبی از شرایط کسب‌وکار در ایالات متحده آمریکا اختصاص یافته است. بحث و گفتگو در تمامی زمینه‌های مرتبط، تفکری ایجاد می‌کند که فعالیت کسب‌وکار در ایالات متحده آمریکا را پایه‌گذاری کرده است. در این گزارش به بخش‌های مختلفی اشاره شده و جمعیت‌شناسی فضای کشور، روش‌های سازمان‌دهی فضای کسب‌وکار، نظام مالی و مالیاتی و قوانین مربوط به کارمندان خارجی شاغل در فضای کسب‌وکار را مد نظر قرار داده است. مؤلفه کلیدی فضای کسب‌وکار در ایالات متحده آمریکا شناخت قلمروهای قانونی مختلف است که فضای کسب‌وکار را پیچیده کرده است. تأثیر قوانین مختلف بر فضای کسب‌وکار می‌تواند با تصویب قوانین مربوط به نهادهای دولتی، فدرال (ائتلافی)، کشوری، بخشی و شهری بررسی شود. با تصویب قوانین مختلف محلی، امکان بروز تضاد میان این بخش‌ها گسترش یافته و این مسئله می‌تواند به پیچیدگی فضای کسب‌وکار منجر شود. گزارش «راهنمای فضای کسب‌وکار در ونزوئلا»^۲ با هدف آشنایی با فضای کسب‌وکار در این کشور به منظور بررسی تفصیلی مشخصات و مختصات آن نگاهی اجمالی به مشخصات کلان، نظام جاری اقتصادی، سیاسی و ساختار بازرگانی آن کشور داشته و روابط بین‌الملل را بر اساس معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای مد نظر قرار داده است. این گزارش بعد از شفاف‌سازی این ساختارها به آمار واردات و صادرات، نظام تعرفه‌ای، عوارض گمرکی و... اشاره کرده و با توجه به سرمایه‌گذاری در ونزوئلا، عملکرد ویژه فضای کسب‌وکار در این کشور را تحلیل کرده است.

1. "Doing Business in the United States, PKF North American Network and PKF International, 2005.
2. Bentata, Hoet & Asociados, "Guide to Doing Business in Venezuela", Caracas, Venezuela, 1996.

۳ تأثیر اصلاحات در فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی

یکی از الزامات و پیش‌زمینه‌های رشد اقتصادی، آسان‌سازی فضای کسب‌وکار است. در هر کشوری که مقررات کسب‌وکار بنگاه‌ها پرهزینه و دردسرساز است، بنگاه‌ها به فعالیت در بخش غیررسمی بیش‌تر تمایل دارند. با توجه به اینکه امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و گسترش فعالیت‌های بنگاه‌ها در بخش غیررسمی میسر نیست، مقیاس این بنگاه‌ها معمولاً کوچک باقی می‌ماند و به شرایط تولید انبوه و صرفه‌های ماحصل از افزایش بازدهی نسبت به مقیاس نخواهند رسید و در نتیجه رشد اقتصادی اندکی ایجاد و مشاغل کم‌تری تولید می‌کنند.

اصلاحات در فضای کسب‌وکار و رفع موانع می‌تواند ریسک ورود و فعالیت در فضای کسب‌وکار رسمی را کاهش دهد. اقدامات تشویقی دولت و اعمال سیاست‌های اصلاحی در راستای تسهیل مقررات کسب‌وکار موجب ایجاد فضای رشد و گسترش فعالیت بنگاه‌ها و انتقال آن‌ها از اقتصاد غیررسمی به اقتصاد رسمی، افزایش تعداد مشاغل رسمی در اقتصاد و گسترش چتر حمایتی فعالان اقتصادی درباره مسائلی مانند مستمری بازنشستگی، بیمه درمان و مقررات ایمنی کار می‌شود.

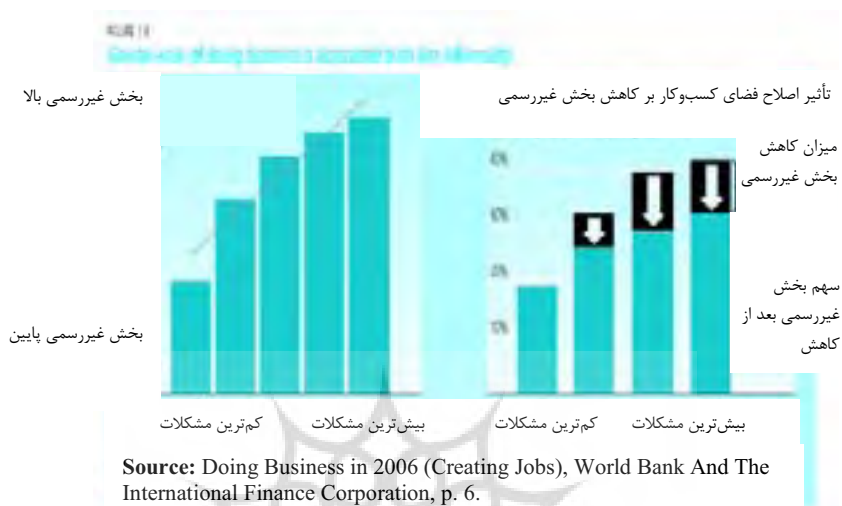
اصلاحات و بهبود شرایط کسب‌وکار می‌تواند روند رشد اقتصادی کشور را تغییر دهد. ارتقا و بهبود شاخص کسب‌وکار در سطح بالای ۲۰ درصد (مطابق نمودار ۱) حدود ۹ درصد از سهم بخش غیررسمی در تولید ناخالص داخلی می‌کاهد و با گسترش دامنه مقررات، بنگاه‌ها و کارکنان را به اقتصاد رسمی وارد می‌کند.

با توجه به این الگو آسان‌سازی انجام کسب‌وکار، مشاغل بیش‌تری ایجاد کرده و موجب افزایش نرخ رشد اقتصادی می‌شود. برای مثال کشور زلاندنو که بهترین شرایط را در آسان‌سازی کسب‌وکار دارد، تنها با ۴/۷ درصد بیکاری مواجه است و کشور رواندا — الگوی موفق کشورهای آفریقایی — با اعمال اصلاحات در فضای کسب‌وکار و بهبود شرایط تجاری، اعتباری، قضایی، قراردادهای و... به رشد اقتصادی ۳/۶ درصدی دست یافت که بالاترین رشد اقتصادی در قاره آفریقا محسوب می‌شود.^۱

باتوجه به مطالب فوق می‌توان گفت یکی از پیش‌زمینه‌های اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴، اعمال سیاست‌های مربوط به اصلاح فضای کسب‌وکار است که با تسهیل فضای

1. Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank And The International Finance Corporation, pp. 4-5.

اقتصادی، موجب ایجاد انگیزه برای انتقال فعالیت از اقتصاد غیررسمی^۱ به اقتصاد رسمی^۲ شده و می‌تواند نتایج مثبتی مانند خلق ثروت و رشد اقتصادی را به دنبال داشته باشد.



نمودار ۱ تأثیر آسان‌سازی فضای کسب‌وکار بر گسترش بخش رسمی

انتقال از اقتصاد غیررسمی به رسمی و دستیابی به تعادل میان آسان‌سازی کسب‌وکار و ارائه حمایت‌های اجتماعی دولتی می‌تواند متضمن رشد اقتصادی و کارایی توأم با عدالت باشد. این مهم زمانی فراهم می‌شود که بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی معتقد باشند که با فعالیت در بخش رسمی اقتصاد و پرداخت مالیات از فواید رسمی بودن مانند دسترسی به تسهیلات و خدمات عمومی بهتر و... بهره‌مند می‌شوند.

آزادسازی اقتصادی نیز یکی از اصلی‌ترین پیش‌زمینه‌های اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است، ولی با وجود این گاهی ابهاماتی در این زمینه مطرح می‌شود. یکی از ابهامات این است که هر چند در اصلاحات مربوط به آزادسازی اقتصادی — برای کاهش هزینه کسب‌وکار — دولت‌ها از روش مقررات‌زدایی استفاده می‌کنند، ولی

1. Informal Economic
2. Formal Economic

تجربه کشورهای که هزینه کسب‌وکار را تا سطح بسیاری کاهش داده‌اند نشان می‌دهد که آن‌ها نیز از مقررات تنظیم‌کننده کسب‌وکار استفاده کرده‌اند. آیا این موضوع تناقض ندارد؟ در پاسخ می‌توان گفت بررسی‌ها نشان داده هرگاه چنین ضرورتی وجود داشته این کار با کم‌ترین هزینه و با استفاده از روش‌های بهینه انجام شده که در نهایت به ساده‌سازی امور منجر شده است. ساده‌سازی مقررات به نگاه‌ها اجازه فعالیت مولد داده و دخالت دولت در این مقررات تنها به موارد اساسی مانند حمایت از حقوق مالکیت و ارائه خدمات اجتماعی محدود می‌شود. پس در نهایت هر شیوه‌ای که اتخاذ شود باید به دنبال راهکارهایی باشد که کسب‌وکار را در کم‌ترین زمان و با کم‌ترین هزینه انجام دهد.

۴ شاخص‌های مختلف فضای کسب‌وکار^۱

شاخص‌های کسب‌وکار به ۱۰ حوزه مجزا تقسیم می‌شوند، این شاخص‌ها شامل شروع کسب‌وکار، دریافت مجوز، استخدام و اخراج نیروی کار، ثبت دارایی‌ها، تأمین تسهیلات، حمایت از سرمایه‌گذاری، پرداخت مالیات، تجارت خارجی، تضمین قراردادهای و ورشکستگی هستند و اصلاح فضای کسب‌وکار در گرو اصلاح هر کدام از این شاخص‌ها به صورت جداگانه است. طبق جدول ۱ با مقایسه مجموع شاخص‌های فضای کسب‌وکار در ۱۵۵ کشور جهان، مشاهده می‌شود که کشور زلاندنو در صدر کشورهای است که مقررات کسب‌وکار در آن‌ها به آسانی انجام می‌شود. وجود ۵ کشور از شرق آسیا و ۳ کشور از حوزه کشورهای بالتیک در بین ۳۰ کشور دارای مقررات آسان کسب‌وکار قابل توجه است. همچنین ایران در میان ۱۵۵ کشور بررسی شده در رتبه ۱۰۸ قرار دارد.

در تحلیل رتبه کشورها، توجه به این نکته ضروری است که در بیش‌تر رتبه‌بندی‌های جهانی، اختلاف یک یا چند رتبه لزوماً به معنای بدتر بودن شرایط در کشوری با رتبه پایین‌تر نیست. رتبه‌بندی کشورها مثل رتبه‌بندی در مسابقات ورزشی نیست، زیرا شاخص آسان‌سازی کسب‌وکار تمام عوامل و پدیده‌های مؤثر مانند نزدیکی به بازارهای بزرگ، کیفیت خدمات زیربنایی، اوضاع اقتصاد کلان و... را پوشش نمی‌دهد.

1. Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank And The International Finance Corporation, pp. 9-71.

جدول ۱ رتبه‌بندی کشورها بر اساس آسانی مقررات انجام کسب‌وکار
در سال ۲۰۰۶

رتبه	نام کشور	رتبه	نام کشور
۱	زلاندنو	۱۱	ایرلند
۲	سنگاپور	۱۲	ایسلند
۳	آمریکا	۱۳	فنلاند
۴	کانادا	۱۴	سوئد
۵	نروژ	۱۵	لیتوانی
۶	استرالیا	۱۶	استونی
۷	هنگ‌کنگ	۱۷	سوئیس
۸	دانمارک	۱۸	بلژیک
۹	انگلستان	۱۹	آلمان
۱۰	ژاپن	۱۰۸	ایران

Source: Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank And The International Finance Corporation, p. 3.

در ادامه به صورت مختصر به معرفی و بررسی شاخص‌های کسب‌وکار می‌پردازیم که عبارتند از:

الف شروع کسب‌وکار^۱

آسان‌سازی شرایط شروع کسب‌وکار یکی از اولین گام‌هایی است که می‌توان برای بهبود فضای کسب‌وکار در کشور مد نظر قرار داد. اصلاح این شاخص به دلیل سادگی و لمس آثار آن در کوتاه‌مدت توجه کشورهای جهان را به خود جلب کرده است.

اصلاح این شاخص سه هدف عمده دارد که شامل کاهش تعداد مراحل، زمان و هزینه لازم برای ورود به کسب‌وکار است. در سال ۲۰۰۶ شروع کسب‌وکار در ایران مستلزم طی ۸ مرحله اداری، صرف ۴۷ روز زمان، هزینه ۶/۳ درصد درآمد سرانه و حداقل سرمایه‌ای معادل ۱/۷ درصد درآمد سرانه بوده است. در حالی که در بهترین وضعیت، شروع کسب‌وکار در کانادا در این سال فقط مستلزم طی ۲ مرحله اداری، صرف ۳ روز زمان، هزینه‌ای معادل ۰/۹ درصد درآمد سرانه و حداقل سرمایه‌ای معادل صفر بوده است.

1. Starting a Business

دستیابی به این اهداف با اقدامات ساده‌ای مثل ایجاد گیشه واحد^۱، تعیین مرکزی برای تمام امور، بانک اطلاعاتی برای اطلاع‌رسانی، ارائه درخواست و ثبت الکترونیکی یکپارچه، اطلاع‌رسانی دقیق از اصلاحات انجام‌شده، کاهش مراحل انتظار نکشیدن بنگاه برای پاسخ اداره ثبت، حذف درج محضری آگهی ثبت، بازرسی مبتنی بر ریسک، کاهش مدارک و الزامات مربوط، ثبت در ادارات به‌جای مجامع قضایی، تعیین سقف زمانی برای مراحل صدور مجوز کسب‌وکار، استفاده از فرم‌های استاندارد برای درخواست ثبت بنگاه‌ها، کاهش هزینه ثبت، تعیین هزینه ثابت بدون توجه به اندازه بنگاه، کاهش حداقل سرمایه برای شروع کسب‌وکار و مکلف نکردن بنگاه‌ها به تمدید مجوزهای دریافتی و... میسر است.

استفاده از رویه‌های فوق هر چند ساده و ابتدایی به نظر می‌رسد، ولی فواید بسیار دارد. این اصلاحات به افزایش تعداد بنگاه‌های تأسیس‌شده، افزایش سطح سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های اقتصادی، ایجاد مشاغل جدید، انتقال بنگاه‌ها از بخش غیررسمی به بخش رسمی، افزایش سطح مالیات دریافتی از شرکت‌ها و استفاده کارگران از بیمه‌های درمان و مزایای بازنشستگی منجر می‌شود.

ب شرایط اخذ مجوز^۲

تعادل میان حمایت از منافع کلان جامعه به‌وسیله اعمال سیاست‌های کنترلی مانند اعطای مجوزهای گوناگون با هزینه‌های حاصل از اخذ مجوزها که گاهی اوقات به غیراقتصادی شدن فعالیت منجر می‌شود از مباحثی است که اختلال در آن همواره یکی از علل انتقال فعالیت‌ها از بخش رسمی اقتصاد به بخش غیررسمی به حساب می‌آید. بنابراین توازن و تعادل میان ایمنی ناشی از اعطای مجوزها با هزینه ناشی از اخذ آن از عوامل پیش‌روی آسان‌سازی فضای کسب‌وکار است.

اصلاح این شاخص با قید حفظ تعادل فوق سه هدف عمده دارد که عبارتند از: کاهش مراحل، کاهش زمان و هزینه لازم برای طی مراحل اداری مربوط به کسب مجوز برای فعالیت‌های اقتصادی. در سال ۲۰۰۶ اخذ مجوز در ایران مستلزم طی ۲۱ مرحله اداری، صرف ۶۶۸ روز زمان و هزینه‌ای معادل ۸۱۸ درصد درآمد سرانه بوده است.^۳ در حالی که در

1. Single Window

2. Dealing With License

3. Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank And The International Finance Corporation, p. 96.

بهترین حالت، اخذ مجوز در زلاندنو در این سال فقط مستلزم طی ۷ مرحله اداری، صرف ۶۵ روز زمان و هزینه‌ای معادل ۲۹/۳ درصد درآمد سرانه بوده است.

دستیابی به این اهداف با اقداماتی مانند کاهش مجوزها، تجمیع مجوزها، استفاده از قوانین تعدیل‌کننده تعداد مجوزها، تناسب مجوزهای اخذ شده با حجم پروژه، مکلف کردن نهادی مستقل در موارد ضروری به ارائه گزارش تحلیل هزینه-فایده، تجمیع مراحل اداری اخذ مجوز، انتظار نکشیدن بنگاه برای پاسخ مراجع صدور مجوز، تبیین مراحل اداری طبق فهرست واحد و ثابت، ساده‌سازی مراحل بازرسی‌های نظارتی، جلوگیری از بازدیدهای متعدد و مکرر، بازرسی‌های مبتنی بر ریسک، جایگزینی بازرسی سازمان‌های دولتی با بازرسی کارشناسان خصوصی دارای صلاحیت، تعیین سقف زمانی برای خدمات مربوط به بازرسی و اخذ و تمدید مجوز و... میسر است.

البته درباره سیاست توصیه و ترغیب استفاده از بازرسی‌های خصوصی ذکر این نکته لازم است که این اقدام در کشورهایی که از نظام قضایی کارا و سریع بی‌بهره‌اند، نتایج مثبتی به دنبال نداشته است، زیرا صدور احکام قضایی درباره سهل‌انگاری و سوءاستفاده احتمالی بازرسان خصوصی با تأخیرهای زمانی همراه بوده و فضای نامطمئن این سیاست را با شکست مواجه کرده است. به همین دلیل در این کشورها سیاست جایگزینی بازرسان دولتی با بازرسان خصوصی توصیه نمی‌شود.

اصلاحات فوق، گرفتن مجوز برای بنگاه‌ها را آسان‌تر کرده و فضای کسب‌وکار را بهبود می‌بخشد، ولی توجه به مجوزهای مربوط به فعالیت‌های حساس مانند تولید مواد دارویی، شیمیایی، غذایی، ساختمانی و... باید مدنظر دستگاه‌های حاکمیتی قرار گیرد.

استفاده از اصلاحات فوق به صورت گام‌به‌گام می‌تواند نتایج مثبتی مانند گسترش فعالیت‌های اقتصادی با ساده‌سازی و کاهش هزینه‌های اداری، کاهش قیمت تمام شده زیرساخت‌های لازم بنگاه‌های اقتصادی، گسترش اقتصاد رسمی، گسترش سطح ایمنی جامعه و صرفه‌جویی در هزینه دولت با اعطای مجوزها و بازرسی‌های محدودتر را به دنبال داشته باشد. تشدید هزینه‌های اداری موجب می‌شود که کارآفرینان و فعالان اقتصادی که با بار مالی مقررات تنظیمی مواجه می‌شوند به فعالیت در بخش غیررسمی اقتصاد سوق یابند تا با محدودیت‌های کم‌تری در رابطه با رعایت مسائل ایمنی به فعالیت بپردازند.

ج استخدام و اخراج نیروی کار^۱

یکی از شاخص‌هایی که به صورت ملموس بر فضای کسب و کار تأثیر می‌گذارد، استخدام و اخراج نیروی کار است. بازار کار انعطاف‌ناپذیر یکی از موانع پیش‌روی فرصت‌های شغلی محسوب و موجب انتقال نیروی کار از بخش رسمی به بخش غیررسمی اقتصاد می‌شود. قانون کار انعطاف‌ناپذیر در ابتدا با هدف حمایت از نیروی کار در برابر دستورات ناعادلانه و تبعیض آمیز کارفرمایان وضع شد و به مواردی مانند حداقل دستمزد اجباری، هزینه بازخرید و اخراج و... تأکید داشت تا به رفع تبعیض جنسیتی، نژادی و سنی بپردازد و نیروی کار را از مواهی مانند بیمه تأمین اجتماعی، مستمری بازنشستگی، بیمه درمان، بیمه بیکاری و... برخوردار کند. تضاد میان میزان فقر در جامعه و قدرت تأمین اجتماعی موجب شده است که کشورهای فقیر با توجه به نیاز بیش‌تر به سیستم‌های حمایتی برای تأمین توان مالی نظام تأمین اجتماعی به تشدید مقررات بازار کار بپردازند و نتیجه استمرار این وضعیت به گسترش اشتغال در اقتصاد غیررسمی انجامیده و موجب عدم برخورداری بخش وسیعی از جامعه از بیمه درمان، مرخصی‌های استعلاجی، مستمری بازنشستگی و حمایت قضایی در زمان سوءاستفاده کارفرما می‌شود.

اصلاح این شاخص اهداف عمده‌ای دارد، مانند حل مشکل استخدام و اخراج و انعطاف‌پذیری اشتغال و ساعات کار.

در سال ۲۰۰۶ چهار شاخص سختی استخدام، انعطاف‌ناپذیری ساعت کار، سختی اخراج و انعطاف‌ناپذیری اشتغال در ایران به ترتیب ۷۸، ۶۰، ۱۰ و ۴۹ بوده است.^۲ در حالی که این شاخص‌ها در کشورهایی مانند هنگ‌کنگ و سنگاپور معادل صفر بوده است. در ایران هزینه استخدام حدود ۲۳ درصد از کل حقوق و هزینه اخراج معادل ۹۰ هفته حقوق بوده در حالی که در زلاندنو این هزینه‌ها برابر صفر بوده است هزینه استخدام در آمریکا و انگلیس به ترتیب ۸ و ۹ درصد از کل حقوق و هزینه اخراج به ترتیب برابر صفر و ۳۴ هفته حقوق بوده است.

دستیابی به این اهداف با اقداماتی مانند تغییر نگرش حمایت از نیروی کار به حمایت از فرصت‌های شغلی، برخورداری از قانون کار انعطاف‌پذیر، تنوع در قراردادهای کار، معرفی قراردادهای کارورزی برای رفع بیکاری جوانان با پرداخت بخشی از حقوق و تأمین مابقی آن

1. Hiring and Firing Workers

۲. محدوده این شاخص‌ها بین اعداد صفر (بهترین شرایط) تا ۱۰۰ (بدترین شرایط) است.

توسط دولت، معافیت بنگاه‌های کوچک از قوانین پردردسر استخدام و اخراج نیروی کار، انعطاف‌پذیری ساعات کار در روز و جبران آن در روزهای دیگر در یک محدوده زمانی مشخص، محدود نبودن برخورداری از ساعات اضافه کار بالا، امکان انعطاف و انتقال ساعات کاری روزانه بین فصول اوج کاری با فصول بیکاری، افزایش سن بازنشستگی در کشورهای که از امید به زندگی و جمعیت سالمند بالا برخوردارند، یکسان‌سازی سن بازنشستگی زنان و مردان، لغو قوانین حداقل دستمزد برای کارکنان تازه‌کار، کاهش بار مالی ناشی از باخرید و اخراج نیروی کار مازاد، کاهش زمان اطلاع دادن برای ترک کار به نیروی کار مازاد، جایگزینی حق سنوات با بیمه بیکاری با هدف حمایت از بنگاه‌ها در زمان رکود و کاهش حداکثر زمان دریافت مزایا و بیمه بیکاری و... میسر است.

اتخاذ سیاست‌های انعطاف‌پذیر در بازار کار در کشورهای در حال توسعه با موانعی روبه‌رو است. در بیش‌تر این کشورها چتر حمایتی مناسب تأمین اجتماعی برای اقشار جامعه وجود ندارد، به همین دلیل قوانین انعطاف‌ناپذیر از مقبولیت بیش‌تری برخوردارند. این شرایط در حالی است که کارفرمایان در بیش‌تر کشورهای در حال توسعه به ازای هر کارگر سهم بالایی را به عنوان مالیات تأمین اجتماعی به دولت می‌پردازند. اعمال سیاست‌های انعطاف‌ناپذیر بازار کار می‌تواند یکی از سازوکارهای حمایت از نیروی کار به حساب آید، ولی تشدید این وضعیت ریسک بزرگ‌تری برای نیروی کار به‌وجود می‌آورد، یعنی نیروی کار اصلاً شغلی به‌دست نمی‌آورد تا با این سیاست‌های سخت‌گیرانه از آن حمایت شود. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که مقررات سخت‌گیرانه بازار کار فقط از مشاغل موجود حمایت می‌کند و برابند این اقدامات به ضرر و زیان نیروی کار جامعه منجر شده و در نهایت مشاغل کم‌تری در اقتصاد رسمی ایجاد می‌شود. به همین دلیل برقراری تعادل و توازن میان انعطاف‌پذیری بازار کار و ثبات شغلی یکی از اهداف اصلاح قوانین کار به شمار می‌آید.

د ثبت‌داری‌ها^۱

گام نخست برای گسترش فرهنگ ورود به اقتصاد رسمی و در نتیجه گسترش فعالیت‌های اقتصادی اصلاحات مراحل ثبت‌داری است.

اصلاح این شاخص سه هدف عمده دارد که عبارتند از: کاهش تعداد مراحل، کاهش زمان و هزینه لازم برای ورود به کسب‌وکار. در سال ۲۰۰۶ ثبت‌داری‌ها در ایران مستلزم

1. Registering Property

طی ۹ مرحله اداری، صرف ۳۶ روز زمان و هزینه‌ای معادل ۵ درصد ارزش دارایی بود. در حالی که ثبت دارایی‌ها در نروژ در این سال فقط مستلزم طی ۱ مرحله اداری و صرف ۱ روز زمان بوده است و در زلاندنو فقط هزینه‌ای معادل ۰/۱ درصد ارزش دارایی داشت. هزینه ثبت دارایی در سوئد با اینکه تنها ۱ مرحله اداری داشته و ۲ روز زمان می‌برد در حدود ۳ درصد ارزش دارایی را در برمی‌گیرد، در حالی که در سوئیس با توجه به ۴ مرحله اداری و ۱۶ روز زمان فقط هزینه‌ای معادل ۰/۴ درصد ارزش دارایی صرف می‌شود.

دستیابی به این اهداف با اقداماتی مانند گیشه واحد و تعیین مرکزی برای تمام امور، اصلاح قوانین ثبت و انتقال مراحل آن از مراجع قضایی به مراجع اداری، کاهش هزینه ثبت رسمی دارایی‌ها، حذف مالیات بر نقل و انتقالات، حذف هزینه‌های جانبی ثبت مانند عوارض تمیر، کاهش مراحل، ساده‌سازی و ادغام مراحل اداری ثبت رسمی، شبکه‌های متصل کامپیوتری برای ثبت رسمی، امکان کنترل سوابق مالکیت، تعیین سقف زمانی برای پاسخ‌گویی به درخواست‌ها و... میسر است.

هرچند تعدادی از بنگاه‌ها سخت‌گیری در مراحل ثبت را سبب دقت در حقوق مالکیت می‌دانند، ولی گسترش فرهنگ ثبت دارایی‌ها به صورت عمومی می‌تواند با گسترش اقتصاد رسمی موجب رعایت حقوق مالکیت شده، مسیر بنگاه‌ها برای کسب اعتبارات مالی و تسهیلاتی را هموار کرده و بنگاه‌ها را به سمت گسترش فعالیت‌ها سوق دهد.

ه دریافت تسهیلات بانکی^۱

دسترسی آسان به تسهیلات و اعتبارات بانکی از عواملی است که در توسعه و گسترش فعالیت بنگاه‌های اقتصادی اثر مستقیم دارد. اصلاح نظام بانکی با هدف افزایش سطح وام‌های ارائه شده و کاهش تعداد درخواست‌های بدون پاسخ، از سیاست‌هایی است که به توسعه سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها در بخش خصوصی منجر می‌شود.

شاخص دریافت تسهیلات بانکی به سنجش اعتبار افراد (اعتبارسنجی) مربوط می‌شود. اعتبارسنجی را بخش دولتی و یا بخش خصوصی می‌تواند انجام دهد. هر اندازه سطح پوشش اطلاعات اعتبارسنجی در کشورها گسترده‌تر باشد، پرداخت تسهیلات اعتباری با سرعت بیش‌تر و هزینه کم‌تر انجام می‌شود. هدف عمده اصلاحات در این شاخص، افزایش افرادی است که از اعتبارات بانکی استفاده کرده‌اند، این شاخص در برخی از کشورها به ۱۰۰ درصد

افراد بزرگسال جامعه می‌رسد. در سال ۲۰۰۶ شاخص اطلاعات اعتباری^۱ در ایران معادل ۳ بوده و این امر مبین پوشش اطلاعات اعتبارسنجی در حدود ۱۳/۷ درصد در بخش دولتی و صفر درصد در بخش خصوصی است که در واقع به معنی نبود نظام اعتبارسنجی خصوصی در کشور است. شاخص اطلاعات اعتباری در کانادا و اتریش معادل ۶ بوده است. در کشورهایی مانند کانادا، استرالیا و نروژ تمامی مراحل اعتبارسنجی را مؤسسات خصوصی انجام می‌دهند به همین دلیل سهم دستگاه‌های دولتی در سنجش اعتبار صفر درصد است. این شاخص می‌تواند با الزامات قانونی مبنی بر تولید چنین اطلاعاتی همراه باشد به نحوی که در برخی کشورها تولید نشدن چنین اطلاعاتی توسط بانک‌ها و حتی به‌روز کردن آن‌ها مشمول جرائم سنگینی است. شاخص توانمندی قانون^۲ در کشور ما در مقایسه با بهترین وضعیت با عدد ۱۰ که مربوط به کشور سنگاپور و هنگ‌کنگ، است عدد ۵ را نشان می‌دهد. دستیابی به این هدف با اقداماتی مانند حذف موانع حقوقی برای دسترسی آزاد به اطلاعات بانکی، ارائه کامپیوتری اطلاعات مربوط به اعتبارسنجی توسط بخش خصوصی و عمومی، گسترش قلمرو اطلاعات اعتباری به مؤسسات سنجش اعتبار خصوصی و تجمیع داده‌های مثبت و منفی در این مؤسسات، تمرکز ادارات عمومی صرفاً به امور نظارت بر بانک‌ها، واگذاری وظایف مربوط به اعتبارسنجی به دفاتر خصوصی، ثبت داده‌ها و اطلاعات بانکی به صورت لحظه‌ای در سیستم یکپارچه کامپیوتری، ارائه گزارش‌های اعتباری به‌روز و به‌موقع، وضع مجازات‌هایی درباره انعکاس نیافتن اطلاعات یا ارائه اطلاعات غلط، آسان‌سازی مراحل تودیع وثیقه‌های قانونی، گسترش دامنه دارایی‌های مورد قبول به‌جای وثیقه بانکی، استفاده از دارایی‌های منقول بدون واگذاری مالکیت به عنوان وثیقه بانکی، لغو هرگونه تبعیض جنسیتی، نژادی و... در ثبت وثیقه و دریافت تسهیلات بانکی، تشکیل مرکز ثبت الکترونیکی واحد برای ثبت تمام وثیقه‌ها، تسهیل در مراحل اجرایی کردن و مصادره وثیقه‌ها خارج از مراحل طولانی دادگاه، امکان ادامه مراحل اجرایی‌شدن مصادره تا صدور حکم دادگاه‌های تجدیدنظر، اصلاح قوانین بانکی، شرکت‌ها و قانون کار، اولویت‌دادن به اخذ مطالبات مرتبط با وام‌های تضمینی از وثیقه‌های بنگاه‌های ورشکسته نسبت به مطالبات مالیاتی دولت یا حقوق کارگران، تدوین مراحل اداری مشخص برای رسیدگی به شکایات مراجعان بانکی و... میسر است. انجام اصلاحات فوق‌نہ‌تنها تعداد وام‌ها و حجم کل اعتبارات

۱. محدوده این شاخص بین اعداد صفر (بدترین شرایط) تا ۶ (بهترین شرایط) است.

۲. محدوده این شاخص بین اعداد صفر (بدترین شرایط) تا ۱۰ (بهترین شرایط) است.

را افزایش می‌دهد، بلکه بر کاهش نرخ سود بانکی نیز اثرگذار است. چنین شرایطی به کاهش وام‌های بازپرداخت‌نشده و کاهش ریسک نظام بانکی منجر می‌شود و در نتیجه میزان سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را افزایش خواهد داد.

برای کمک به دریافت‌کنندگان تسهیلات بانکی لازم است به‌جای سیاست‌های تحمیلی برای ارائه‌دهندگان تسهیلات مانند محدودیت انواع وثیقه‌های دریافتی یا تعیین سقف برای نرخ سودبانکی یا اولویت ندادن به بازپرداخت بدهی‌های مالی بنگاه‌ها در زمان ورشکستگی و... سیاست‌هایی مانند بهبود اطلاعات اعتباری و آسان‌سازی مراحل به اجرا گذاشتن وثیقه‌ها به‌کار گرفته شود.

و حمایت از سرمایه‌گذاران^۱

حمایت از سهام‌داران یک شرکت در برابر معاملات شخصی مدیران برای جلوگیری از سوءاستفاده از دارایی‌های شرکت برای انتفاع شخصی از مهم‌ترین سیاست‌های حکمرانی شرکتی است. سهام‌داران جزء، معمولاً از اطلاعات ریز معاملات مدیران شرکت آگاهی ندارند و این معاملات می‌تواند با بنگاه‌هایی انجام شود که مدیران شرکت در سود و زیان آن بنگاه‌ها ذی‌نفع هستند.

هدف عمده اصلاحات در این شاخص ایجاد مسئولیت در مدیران شرکت‌ها و پاسخ‌گویی آنان به سهام‌داران جزء و امکان لغو معاملات و شکایت از آنان در موارد سوءاستفاده از معاملات شخصی است. در سال ۲۰۰۶ چهار شاخص سطح افشاگری، میزان مسئولیت مدیران، پوشش آسان اطلاعات لازم سهام‌داران و حمایت از سرمایه‌گذاران در ایران به ترتیب ۳، ۵، ۰ و ۲/۷ بوده است.^۲ در حالی که در همین سال این چهار شاخص در کشور زلاندنو به ترتیب معادل ۱۰، ۹، ۱۰ و ۹/۷ و در کشور سنگاپور به ترتیب معادل ۱۰، ۹، ۹ و ۹/۳ و در انگلستان به ترتیب معادل ۱۰، ۷، ۷ و ۸ بوده است.

دستیابی به این هدف با اقداماتی مانند اطلاع‌رسانی درباره جزئیات معاملات بنگاه به تمام سهام‌داران، محدودیت‌های حقوقی برای معاملاتی که خود مدیران، افراد خانواده و سایر اشخاص تحت کنترل مدیران در آن‌ها ذی‌نفع باشند، لزوم تأیید معاملات انجام شده مدیران

1. Protecting Investors

۲. محدوده این شاخص‌ها بین اعداد صفر (بدترین شرایط) تا ۱۰ (بهترین شرایط) است.

به وسیله سهام‌داران غیرذی‌نفع بنگاه، وضع قوانین حقوقی در خصوص اولویت منافع شرکت نسبت به منافع شخصی مدیران بنگاه، تکلیف مدیران بنگاه به ارائه گزارش‌های مقطعی در رابطه با معاملات انجام شده، ارائه گزارش‌های مستند از وضعیت مالکیت مدیران، صورت‌جلسات هیئت مدیره و معاملات انجام شده، تبیین شرح وظایف مدیران درباره انجام معاملات، اعمال مجازات‌هایی برای مدیران درباره سوءاستفاده از معاملات شخصی، تقویت الزامات حسابرسی در بنگاه‌ها و شرکت‌ها، معرفی و پیشنهاد الزامات حکمرانی شرکتی برای تنظیم روابط شرکت‌ها، اتخاذ سیاست‌های تشویقی و معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌هایی که از اصول حکمرانی شرکتی و حمایت از سهام‌داران استفاده می‌کنند، امکان شکایت و دادخواهی از مدیران در موارد سوءاستفاده از معاملات شخصی و کاهش هزینه و تسهیل و تسریع در روند رسیدگی شکایت از مدیران مربوطه میسر است.

اعمال حمایت‌های مناسب از سرمایه‌گذاران و سهام‌داران زمانی انجام می‌شود که این حمایت‌ها فقط روی کاغذ نوشته نشوند، بلکه از ضمانت اجرایی لازم نیز برخوردار باشند. افزایش حجم سرمایه‌گذاری و کاهش تمرکز مالکیت موجب می‌شود تا بازارهای سرمایه توسعه‌یافته و بانک‌ها به منابع تأمین مالی مناسب دست یابند، در این شرایط نقدینگی لازم برای فعالیت کارآفرینان فراهم شده و در نتیجه رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت که به گسترده‌گی بازار رسمی اقتصاد منجر می‌شود.

ز پرداخت مالیات^۱

دریافت و اخذ مالیات با توجه به نیاز و ضرورت زیرساخت‌های عمومی امری حیاتی است، با این حال درباره سطح بهینه و شیوه مناسب دریافت مالیات توجه به نکاتی ضروری است. مالیات‌های متنوع و گسترده و بالاتر از سود ناخالص بنگاه‌های اقتصادی شرایطی بحرانی در اقتصاد را به وجود می‌آورد. در این شرایط بنگاه‌های اقتصادی فعالیت تولیدی خود را متوقف می‌کنند یا ناگزیر به فرار مالیاتی روی می‌آورند. از این رو مدیریت مالیاتی ناکار را از اصلی‌ترین موانع پیش‌روی فضای کسب‌وکار به‌شمار می‌آید.

اصلاحات در زمینه مالیات‌ها فقط به نرخ مالیات بر درآمد متمرکز نمی‌شود. در برخی از کشورها علاوه بر مالیات بر درآمد انواع متنوع دیگری از مالیات‌ها مانند مالیات بر

ارزش‌افزوده، مالیات بر حمل‌ونقل، مالیات بر زمین، مالیات بر دارایی، مالیات بر محیط‌زیست، مالیات بر سوخت، مالیات بر معاملات، مالیات بر نهاده‌ها و مالیات بر ستانده‌ها و... دریافت می‌شود. بنابراین اهداف عمده اصلاحات در این شاخص کاهش نرخ کل مالیات قابل پرداخت، تعداد انواع مالیات‌ها، کاهش ساعات صرف‌شده برای رعایت قوانین مالیاتی و در نتیجه آسان‌سازی پرداخت مالیات است.

در سال ۲۰۰۶ پرداخت مالیات‌ها در ایران ۲۸ نوع بوده است که ۱۴/۶ درصد سود ناخالص بنگاه را به خود اختصاص می‌دهد. هنگ‌کنگ با اعمال ۱ نوع مالیات در حدود ۱۴/۳، نروژ با ۳ نوع مالیات حدود ۶۰/۱ درصد، ازبکستان با ۱۱۸ نوع مالیات ۷۵/۶ درصد و کشور سیرالئون^۱ با ۲۰ نوع مالیات ۱۶۳/۹ درصد سود ناخالص بنگاه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند. دستیابی به اهداف اصلاحات مالیاتی با اقداماتی مانند گیشه واحد و تعیین مرکزی برای تمام امور، تعیین کد و شماره مستقل برای مؤدیان مالیاتی، استفاده از ابزارهای الکترونیکی و کامپیوتری برای تشکیل پرونده‌های مالیاتی، کاهش نرخ مالیات بر شرکت‌ها، وضع مالیات پایین و مستقل برای بنگاه‌های کوچک، وضع مالیات ثابت بر درآمد، تجمیع مالیات‌های مختلف، افزایش قانون‌پذیری بنگاه‌ها و توسعه پایه مالیاتی، حذف معافیت‌ها، امتیازات و استثنائات مختلف برای گسترش پایه مالیاتی و تخصیص بهینه منابع و جلوگیری از رانت اقتصادی، استفاده از الگوی مالیات بر ارزش‌افزوده، افزایش کارایی حسابرسی‌های مالیاتی، تعیین مجازات‌هایی برای جلوگیری از فرار مالیاتی و ارتقای کارایی و فراهم کردن شرایط تجدیدنظر و دادخواهی نسبت به جرائم مالیاتی و... میسر است.

از طرف دیگر برای برقراری تعادل و تعیین نرخ بهینه دریافت و وصول مالیات‌ها، توجه به این نکته است که بنگاه‌ها در مقابل مالیات پرداختی چه مزایایی را به دست می‌آورند. با توجه به نرخ‌های مالیات بالا در برخی کشورها، بنگاه‌ها نسبت به بار مالی ناشی از مالیات اعتراضی ندارند، زیرا در قبال آن از زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی ارزشمندی بهره می‌برند. مالیات‌های ساده و متوسط با استفاده از بوروکراسی کم‌دردسر به افزایش درآمد کل بنگاه‌های اقتصادی منجر می‌شود و فرار مالیاتی را نیز کاهش می‌دهد. به‌طور کلی وقتی افزایش سطح مالیات‌ها با ارتقای زیرساخت‌ها و خدمات عمومی بیش‌تر، همبستگی نداشته باشد، ضمن گسترش فضای رانتی همراه با فساد، بنگاه‌ها به فعالیت در بخش غیررسمی

1. Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank And The International Finance Corporation, p. 106.

ترغیب می‌شوند. از این رو اصلاح نظام مالیاتی نه تنها برای فعالان بخش خصوصی منافی دارد، بلکه منابع موجود دولت از این طریق را نیز توسعه می‌دهد. کاهش بار مالیاتی بنگاه‌ها، آنان را به افزایش سرمایه‌گذاری تشویق می‌کند و این سرمایه‌گذاری‌ها بازدهی سرمایه را نیز افزایش می‌دهد. این سیاست‌های انگیزشی موجب تشویق بنگاه‌ها به فعالیت و ایجاد فرصت‌های شغلی بیش‌تر شده و افزایش رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

ح تضمین اجرای قراردادهای

تأخیر در برگزاری دادگاه‌ها، اجرا نکردن حکم پس از اعلام رأی، طولانی بودن مراحل دادرسی و تجدیدنظر و صلاحیت نداشتن مقامات و ظابطان قضایی از جدی‌ترین مواردی است که ضمانت اجرای قراردادها را با مشکل روبه‌رو ساخته است و مشکلی اساسی برای فعالیت کسب‌وکار بنگاه‌های اقتصادی به وجود آورده است. بنابراین اهداف عمده اصلاحات در این شاخص، کاهش مراحل اداری، زمان و هزینه بررسی پرونده‌های موضوع اختلاف در قراردادهای کسب‌وکار است که به افزایش کارایی در نظام قضایی منجر می‌شود.

در سال ۲۰۰۶ بررسی پرونده‌های موضوع اختلاف در ایران مستلزم طی ۲۳ مرحله اداری، صرف ۵۴۵ روز زمان و هزینه‌ای معادل ۱۲ درصد موضوع اختلاف بوده است. در حالی که همین بررسی در نروژ در این سال فقط مستلزم طی ۱۴ مرحله اداری، صرف ۸۷ روز زمان و هزینه‌ای معادل ۴/۲ درصد موضوع اختلاف است. جالب توجه است که همین اقدام در جمهوری دموکراتیک کنگو مستلزم انجام ۵۱ مرحله اداری در ۹۰۹ روز و صرف هزینه‌ای معادل ۲۵۶/۸ درصد موضوع اختلاف است.

دستیابی به این اهداف با اقداماتی مانند کاهش مراحل اداری رسیدگی به اختلافات قراردادهای کسب‌وکار، اصلاح قوانین مربوط به رویه‌های مدنی و اجرایی احکام قضایی، امکان اجرای حکم قضایی توسط ضابطان خصوصی، اتاق‌های تخصصی در دادگاه‌ها برای موضوعات تجاری، مالی و مالیاتی، استفاده از قضات حرفه‌ای و تخصصی در موضوعات مختلف کسب‌وکار، کاهش ارجاع فرجام‌خواهی‌ها به دادگاه تجدیدنظر، استفاده از جلسه بدوی قبل از جلسه اصلی، امکان ارائه حکم نهایی و لازم‌الاجرا توسط دادگاه‌های تجدیدنظر، کاهش زمان لازم برای رسیدگی به اختلافات قراردادهای کسب‌وکار، تعیین سقف زمانی برای رسیدگی به پرونده‌ها در دستگاه قضایی و اجرای احکام صادره، کاهش فرصت

فرجام‌خواهی (ارسال رأی به دادگاه تجدیدنظر)، کاهش هزینه رسیدگی به اختلافات قراردادهای کسب‌وکار، کاهش دستمزد و کلا و... میسر است.

آسان‌سازی مراحل بررسی اختلافات مربوط به قراردادهای کسب‌وکار موجب ترغیب فعالان اقتصادی به کسب تسهیلات و اعتبارات از مؤسسات اعتباری شده و این امر به ورود بنگاه‌های جدید به فضای کسب‌وکار و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید توسط بنگاه‌های موجود منجر می‌شود. این اصلاحات نیاز کشور به دادگاه‌ها، قضات و کادر اداری را محدود کرده و در نتیجه هزینه دولت و نیاز به بودجه دولتی کاهش می‌یابد. پیچیدگی فرایند اجرای قراردادها و بررسی اختلافات احتمالی موجب می‌شود که فرایند و روش کار برای بنگاه‌های ساده اقتصادی مشکل شده و این بنگاه‌ها به سمت گزینه‌ها و روش‌های غیررسمی سوق یابند که این امر سلامت و اعتبار نظام قضایی را نیز با ابهام روبه‌رو می‌کند.

ط تعطیلی کسب‌وکار^۱ (ورشکستگی)

قوانین و رویه‌های پیچیده درباره ورشکستگی، از موانع عمده پیش‌روی فضای کسب‌وکار است که در برخی اوقات پرداخت مطالبات مربوطه را تا سال‌ها به تعویق می‌اندازد. اهداف عمده اصلاحات در این شاخص کاهش زمان و هزینه صرف شده برای مراحل ورشکستگی و افزایش نرخ وصول بدهی‌ها بعد از خروج بنگاه‌ها از فضای کسب‌وکار است.

در سال ۲۰۰۶ مراحل ورشکستگی در ایران مستلزم صرف ۵ روز زمان و هزینه‌ای معادل ۹ درصد دارایی بوده و نرخ وصول بدهی‌ها ۱۹/۳ درصد بوده است. در حالی که همین کار در ژاپن در این سال فقط مستلزم صرف ۰/۶ روز زمان و هزینه‌ای معادل ۳/۵ درصد دارایی و نرخ وصول بدهی‌ها ۹۲/۶ درصد بوده است.

دستیابی به این اهداف با اقداماتی مانند تشویق و اجازه به بنگاه‌های فعال برای عبور از بحران در کوتاه‌مدت، فرصت دوباره به کارآفرینان ورشکسته برای ورود به فضای کسب‌وکار، لزوم تفاوت بین ورشکستگی به علت کلاهبرداری با ورشکستگی بدون سوء‌نیت، استفاده از حق دعوی و تصفیه برای فروش کل بنگاه فعال به مالکان جدید به منظور حفظ تولید و اشتغال بنگاه، متوقف نکردن فعالیت‌های بنگاه در زمان تصفیه، ایجاد انگیزه در تجدید سازمان بنگاه‌های فعال و تعطیلی بنگاه‌های ضعیف، اجازه به بنگاه‌های ضعیف برای تسریع در مراحل ورشکستگی، کاهش اتکا به دادگاه‌ها در روند مراحل ورشکستگی، تعیین سقف

1. Closing a Business

زمانی محدود برای رسیدگی و ارائه حکم درباره ورشکستگی، تعیین سقف زمانی برای مخالفت با آرای صادره درباره ورشکستگی، تعیین شرط ناتوانی در پرداخت بدهی‌ها برای شروع ورشکستگی و عدم لزوم تحمل زیان، اولویت اخذ مطالبات وام‌های تضمینی از وثیقه‌های بنگاه‌های ورشکسته نسبت به مالیات دولت، حقوق کارگران، خریداران وثیقه و...، تعیین سقف معینی از مطالبات کارکنان به عنوان اولویت اول نسبت به تسهیلات، افزایش کارایی در مراحل اداری فروش دارایی‌های شرکت‌های ورشکسته، اجازه استفاده از دارایی‌های بنگاه در آغاز فرایند ورشکستگی، اجازه اخراج و تعدیل نیروی کار بنگاه در آغاز فرایند ورشکستگی برای حفظ بنگاه و... میسر است.

رفع مشکلات ناشی از ورشکستگی، سطح مطالبات وصولی را افزایش می‌دهد، ولی تشدید مشکلات موجب می‌شود که انگیزه برای افزایش سرمایه‌گذاری کاهش یابد و به دنبال آن افزایش سطح وام‌های بازپرداخت نشده، ریسک مالی را افزایش می‌دهد. آسان‌سازی مراحل خروج از فضای کسب‌وکار به معنای ایجاد انگیزه برای ورود راحت‌تر به فضای کسب‌وکار تلقی می‌شود. زیرا آزادی بنگاه‌های اقتصادی در این باره که بتوانند شکست را در ضمن فعالیت‌های خود تجربه کنند و تشویق آنان به شروعی تازه، می‌تواند آنها را به ورود به فضای کسب‌وکار تشویق کرده و این اقدام سطح بهینه‌ای از اشتغال و سرمایه‌گذاری را ایجاد و در نتیجه کسب‌وکاری اثربخش ایجاد کند.

۵ اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی مؤلفه‌ای مؤثر بر کسب‌وکار و

رشد اقتصادی

تحولات گسترده‌ای در محیط اقتصادی و سیاسی جهان در دهه‌های آخر قرن بیستم رخ داده است که بالندگی و پویایی نظام مبادلات بین‌المللی و ضرورت انطباق سیاست‌گذاری‌های توسعه اقتصادی-صنعتی کشورها با روندها، الزامات و فرایندهای نوین تجاری و سرمایه‌گذاری در جهان فقط بخش کوچکی از این تحولات است.

در فرایند توسعه اقتصادی، اجرای استراتژی توسعه تجارت و صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا نقشی محوری ایفا کرده و به عبارت دیگر، برخی کشورها از این استراتژی مثل موتور رشد و توسعه اقتصادی بهره جسته‌اند. این کشورها برخوردی علمی با صادرات داشته و هرگز صادرات را در حاشیه قرار نداده‌اند. ارتقای سطح توانایی تولید محصولات صادراتی، اصلاح ساختار بخش صنعت، شناخت و حفظ بازارها، قوانین صادراتی شفاف، قاطع

و منطقی، فعال کردن بخش خصوصی، روابط تجاری و خارجی مناسب و... عواملی هستند که برآیند آن‌ها هماهنگی، سازگاری و تحرک تمامی ابعاد اقتصادی را در پی خواهد داشت و حرکتی پویا، پایدار و هدفمند را در اقتصاد کشور ایجاد می‌کند. در این راستا نه تنها سطح رفاه افزایش و بیکاری کاهش خواهد یافت، بلکه از همه مهم‌تر قدرت چانه‌زنی در فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی افزایش خواهد داد.

حوزه فرابخشی تجارت خارجی، به اعتراف بسیاری از کارشناسان و به استناد مدارک، اسناد و گزارش‌های رسمی دستگاه‌های مربوطه، هنوز با موانع و مشکلات بسیار اساسی و جدی روبه‌رو است. ضعف‌های جدی در کیفیت بسیاری از محصولات صادراتی به دلیل پایینی سطح تکنولوژی، ناهماهنگی سیاست‌های ارزی، پولی و مالی کشور با اهداف توسعه صادرات و تجارت، ضعف نهادهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری لازم در بخش تجارت برای تغییرات ساختاری، محدودیت‌های جدی از نظر دسترسی و حضور مستمر و پایدار در بازارها و... فقط بخشی از مشکلات این حوزه فرابخشی هستند. با توجه به این واقعیت که حجم بالایی از تجارت و به خصوص صادرات کالاهای غیرنفتی را بخش خصوصی انجام می‌دهد، توجه به این نکته ضروری است که نه تنها سیاست‌گذاری، بلکه اجرای هر سیاست و اقدامی بستگی کامل به ماهیت مناسبات و تعامل بین بخش دولتی و بخش خصوصی در چارچوب تعریف جامع از مدیریت سیاست‌های تجاری کشور دارد که موضوعی قابل تأمل است.

اگر این مناسبات از سطح حمایت و نظارت بخش دولتی بر بخش خصوصی به سطح تحکم یک‌طرفه بخش دولتی به بخش خصوصی و به بیان دیگر به سطح حق تعیین سرنوشت از سوی بخش دولتی تغییر ماهیت یابد، به طور یقین باید انتظار وضعیتی را داشت که مشکلات پیچیده‌تر شده و فرصت‌ها و سرمایه‌ها نیز به هدر روند و مهم‌تر از همه بخش خصوصی منفعل‌تر شده و از انجام کارهای بزرگ، پرهزینه و پرخطر پرهیز کند و در نتیجه مشارکت قابل توجهی را در رشد و توسعه اقتصادی-تجاری کشور ایفا نخواهد کرد.

تجارت یکی از ابزارهای مهم تنظیم بازار به خصوص در مواقعی است که بازار داخلی با مشکل عرضه روبه‌رو است و یا به کالاهایی نیاز دارد که قدرت تولید آن‌ها را ندارد. اصلی‌ترین عامل بازدارنده فضای کسب‌وکار برای برقراری ارتباط با خارج از قلمرو گمرکی و استفاده از عرضه و تقاضای بازارهای خارجی موانع متعدد تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای است.

موانع غیرتعرفه‌ای مانند هزینه‌های پایانه‌ای، حمل‌ونقل، حق‌الزحمه‌های انبارداری بالا، تشریفات گمرکی پیچیده، مجوزها و گواهی‌های متعدد در برخی کشورها و... موجب می‌شود

تا زمان و تعداد سندهای لازم و مراجعه به مراجع مختلف برای امور تجاری به شکل فزاینده‌ای افزایش یافته و تجارت را با مخاطراتی همراه کند.

با توجه به اینکه منافع حاصل از تجارت به خوبی ملموس بوده و موانع پیش‌روی آن مانند موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، سهمیه‌ها و فاصله از بازارهای بزرگ جهانی و ... کاملاً مشخص است، با این حال فعالان اقتصادی در بسیاری از کشورها با موانع بی‌شماری مواجه هستند. در کشورهای درحال توسعه با توجه به تشریفات گمرکی پیچیده و هزینه حمل‌ونقل بالا، هزینه‌ای به تجارت بنگاه‌ها تحمیل می‌شود که از هزینه تعرفه صادراتی کشورهای توسعه‌یافته نیز بیش‌تر است. هرچند استفاده از موافقت‌نامه‌ها، کنوانسیون‌ها، عضویت در اتحادیه‌ها و سازمان‌های جهانی می‌تواند بسیاری از مشکلات تعرفه‌ای کشورهای درحال توسعه را برطرف کند، ولی این اقدامات مراحل اداری گمرکی و زیرساخت‌های تجاری را بهبود نمی‌بخشد. از این‌رو لازم است برای کاهش زمان صرف شده و مراحل اداری و در نتیجه تسهیل تجارت به این بخش توجه خاصی شود.

در گزارش سال ۲۰۰۶ بررسی فضای کسب‌وکار^۱ به کشورهایی که از ساده‌ترین و مشکل‌ترین شرایط تجارت برخوردارند اشاره شده و کشورهای دانمارک، سوئد، آلمان، فنلاند، هلند، سنگاپور، نروژ، اتریش، بلژیک و اسپانیا به ترتیب ۱۰ کشور هستند که از ساده‌ترین شرایط تجارت برخوردارند و کشورهای سوریه، مالی، اریتره، قرقیزستان، زامبیا، ازبکستان، رواندا، بروندي، نیجر و عراق به ترتیب از مشکل‌ترین شرایط کسب‌وکار برخوردارند.

شاخص‌های تجاری فضای کسب‌وکار به طور کلی به چهار قسمت ذیل تقسیم می‌شود:

- تعداد روزهای صرف‌شده برای تهیه اسناد برای بارگیری قبل از ورود محموله،

- تعداد روزهای صرف‌شده برای ورود، تخلیه و جابه‌جایی محموله،

- تعداد روزهای صرف‌شده برای بازبینی و ارزیابی گمرکی محموله،

- تعداد روزهای صرف‌شده برای حمل و تحویل محموله به انبار مشتری.

مطالعات درباره چهار محور فوق مطابق جدول ۲ بر اساس اطلاعات کسب شده از مؤسسات حمل‌ونقل و بارگیری، کشتیرانی، ترخیص‌کاران گمرکی و مسئولان گمرک و بندر نشان می‌دهد که روزهای صرف شده برای این چهار مرحله در کشورهای توسعه‌یافته حدود ۱۴ روز و در جنوب صحرای آفریقا حدود ۵۹ روز است؛ یعنی تجارت در این کشورها

1. Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank And The International Finance Corporation, pp. 9-71.

بیش از ۴ برابر کشورهای توسعه‌یافته نیازمند زمان است.

جدول ۲ مقایسه تعداد روزهای انجام مراحل تشریفات گمرکی در مناطق مختلف جهان

کل روزها	حمل و تحویل به انبار	بازبینی و ارزیابی	ورود، تخلیه و جابه‌جایی	اسناد بارگیری و ورود	تشریفات گمرکی
					حوزه جغرافیایی
۱۴	۲	۲	۲	۸	کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی
۳۶	۳	۴	۳	۱۸	کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه
۲۸	۳	۵	۴	۲۴	کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب
۴۳	۴	۹	۵	۲۵	کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا
۴۳	۷	۷	۴	۲۵	کشورهای اروپای شرقی و آسیای مرکزی
۴۷	۱۰	۷	۶	۲۴	کشورهای جنوب آسیا
۵۹	۹	۱۰	۸	۲۲	کشورهای جنوب صحرای آفریقا
۳۹	۵	۶	۵	۲۳	متوسط جهانی

Source: Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank and the International Finance Corporation, p. 54.

در سال ۲۰۰۴ میلادی بیست‌و‌پنج کشور، قوانین و شیوه کار مربوط به تشریفات گمرکی و حمل‌ونقل کالاهای تجاری خود را اصلاح کردند که این اقدامات درباره اصلاح رویه‌های گمرکی در دستور کار قرار گرفت. کشورهای کامرون، کلمبیا، مصر، گواتمالا، جامائیکا، پرو و روسیه برای تشریفات گمرکی سقف زمانی مشخصی تعیین کردند. کشورهای فیجی و مجارستان مراحل تشکیل پرونده‌های تجاری در گمرک را الکترونیکی و کامپیوتری کردند. کشورهای آلمان، پاکستان، اوگاندا و یمن اقدامات مؤثری در راستای حذف مجوزهای تجاری انجام داده و کشورهای اتریش، موریس و تیمور شرقی به برقراری مدیریت ریسک در نظام گمرکی خود پرداختند. در کشورهای فیلیپین و رواندا بازرسی‌های قبل از حمل حذف شده و در کشورهای افغانستان، چین، موریتانی و امارات متحده عربی

زیرساخت‌ها و سخت‌افزار لازم برای تجارت گسترش یافته است. کشورهای ایران، پاناما و اسپانیا نیز از ابزارهایی برای پرداخت حقوق گمرکی به صورت خودکار استفاده کردند. اقدامات زیر برای تسهیل تجارت در کشورهای مختلف تجربه شده است:

- استفاده از ابزار گیشه واحد برای تمام امور گمرکی، دریافت اسناد تجاری لازم و پرداخت حقوق و عوارض مربوطه،

- ادغام و تجمیع تأییدیه‌های مختلف مورد نیاز،
 - کاهش تعداد طبقات مختلف تعرفه‌ای،
 - ساده‌سازی بازبینی‌ها و ارزیابی‌های گمرکی،
 - حذف بازرسی‌های قبل از حمل،
 - اخذ اظهارنامه به صورت کامپیوتری و الکترونیکی،
 - کاهش سقف زمانی لازم برای تشریفات گمرکی،
 - تعیین سقف زمانی برای امور گمرکی،
 - امکان طرح خسارت از طرف افراد در صورت تجاوز از سقف زمانی تعیین شده،
 - تشکیل پرونده تجاری و اسناد گمرکی به صورت الکترونیکی،
 - امکان تأیید اسناد به صورت کامپیوتری و شبکه‌ای،
 - استفاده از مدیریت ریسک در بازرسی و بازبینی محموله‌ها،
 - کاهش و لغو مجوزهای متعدد برای کالاهای مختلف،
 - انتقال مرجع اخذکننده مجوز با لغو مجوز برای کالا و اعطای مجوز به بازرگان،
 - ایجاد زیرساخت و سخت‌افزار لازم برای تجارت (بنادر، گمرکات، اسکله و...)،
 - انجام خدمات تجاری به صورت شبانه‌روزی و خارج از ساعات اداری،
 - استفاده از ابزارهای اتوماسیون برای پرداخت حقوق ورودی و صدور.
- با توجه به تعدد اقدامات فوق می‌توان چهار راهکار ذیل را که از عوامل تسهیل و رونق تجارت در بسیاری از کشورها هستند بیان کرد.

الف تشکیل پرونده‌ها و اسناد گمرکی به صورت الکترونیکی

جمع‌آوری و ثبت اسناد تجاری به صورت الکترونیکی برای صدور پروانه گمرکی یکی از اقدامات مؤثر برای تسهیل تجارت است. تشکیل این پرونده‌ها می‌تواند با استفاده از شبکه‌های کامپیوتری، بسیاری از ادارات دولتی مسئول تشریفات گمرکی را به یکدیگر

متصل کند و مراحل مانند ترخیص، کسب مجوز، پرداخت حقوق گمرکی، گواهی‌های مربوطه و... به صورت هم‌زمان یا مرحله به مرحله انجام دهد و همچنین آمار بازرگانی خارجی به صورت لحظه‌ای ثبت شود. استفاده از این روش به همراه تعیین سقف زمانی برای پاسخ‌گویی به درخواست‌ها، زمان پاسخ‌گویی را در برخی کشورها به چند دقیقه تقلیل و تعداد درخواست‌های بررسی شده را نیز به شدت افزایش داده است. این اقدامات کاهش هزینه‌های بررسی اسناد تجاری را نیز به دنبال داشته است.

ب استفاده از مدیریت ریسک در بازربینی و ارزیابی گمرکی

در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته حدود ۷۰ درصد محموله‌ها بازربینی و بازرسی مستقیم می‌شوند، در حالی که این رقم در کشورهای در حال توسعه فقط در حدود ۵ درصد است و علت آن سیاست مدیریت ریسک در تشریفات گمرکی است. در مدیریت ریسک ارزیابان گمرکی بر اساس اطلاعات اسناد تجاری مانند مشخصات کسب‌وکار، مؤسسه حمل‌ونقل، نوع کالا، مقصد و مبدأ تجاری، نتایج اسکن محموله و... کالاها را به سه کانال سبز، زرد و قرمز تقسیم می‌کنند. در کانال سبز کالا و اسناد بدون بازربینی از گمرک خارج می‌شود، در کانال زرد اسناد تجاری به صورت کامل بررسی و در کانال قرمز اسناد و محموله‌ها بازربینی مستقیم می‌شوند. با توجه به کاهش تعداد بازربینی‌ها در این سیستم، حجم کشف کالای قاچاق نیز افزایش یافته است. اعمال مدیریت ریسک موجب کاهش شدیدی در مدت زمان صرف شده برای تشریفات گمرکی می‌شود، ولی توجه به این قید ضروری است که استفاده صحیح از این سیستم به برخورداری از اطلاعات لازم برای تفکیک کالاها به مسیرهای مجزا بستگی دارد.

ج استفاده از پیمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای

مرزهای آبی در قلمرو گمرکی کشور یکی از مزیت‌های مهم تجاری است، زیرا کشورهایی که به آب‌های آزاد دسترسی ندارند برای واردات کالاهای خاص باید کالاهای خود را از مرز گمرکی چند کشور ثالث عبور دهند. در این موارد استفاده از پیمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای ضروری است، زیرا اصلاح مقررات گمرکی این کشورها بدون اقداماتی در کشورهای هم‌جوار امری بی‌فایده بوده و ثمره‌ای نخواهد داشت. بنابراین حذف موانع و نظارت‌های مرزی گسترده و ایجاد قوانین حمل‌ونقل یکسان با استفاده از پیمان‌های منطقه‌ای می‌تواند راهکاری مؤثر به حساب آید.

د واگذاری بازرسی قبل از گمرک به سازمان‌های تحویل‌گیرنده غیردولتی

انتقال مسئولیت‌های غیرحاکمیتی از گمرک به شرکت‌های خصوصی با نام سازمان‌های تحویل‌گیرنده از اقداماتی است که با نتایج متفاوتی روبه‌رو شده است. در برخی کشورها موقعیت این سازمان‌ها موجب افزایش درآمد گمرکی سالیانه و افزایش کشف قاچاق شده است و تأخیر در زمان تشریفات گمرکی را کاهش داده است. در برخی کشورها این اقدام سبب گسترش فساد شده و سازمان‌های مذکور با اعمال فشار سعی می‌کنند مقررات پیچیده‌تری برای اجرای بازرسی‌های قبل از حمل اعمال کنند و با ارائه فرم‌های مخصوص فرایند ترخیص کالا را با موانع جدیدی روبه‌رو سازند.

اصلاحات مذکور در این بخش موجب کاهش اسناد و تأییدیه‌های لازم می‌شود و در نتیجه زمان کم‌تری برای مراحل اداری صادرات و واردات صرف می‌شود. صرف هر روز اضافه به علت تأخیر در تشریفات گمرکی کالا به میزان درصدی از ارزش کالا برای بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی هزینه دارد و کاهش این زمان به معنای صرفه‌جویی در هزینه‌های بنگاه است. جدول ذیل نشان‌دهنده مقایسه وضعیت صادرات و واردات ایران با بهترین شرایط و بدترین شرایط در کشورهای مختلف است.

طبق جداول ۳ و ۴، شکاف میان آسانی تجارت (واردات و صادرات) در کشورهای مختلف با سطح توسعه‌یافتگی این کشورها ارتباط مستقیم دارد، یعنی در کشورهای توسعه‌یافته، شاخص‌های تجارت خارجی در سطح مطلوب قرار دارند و بالعکس. این ارتباط بیانگر آن است که اصلاح فضای کسب‌وکار و تناسب و تعادل در کل شاخص‌ها در رونق بخش تجارت منعکس می‌شود. طبق این آمار، ایران در بخش واردات در سطح کشورهای متوسط رو به پایین و در بحث صادرات در سطح کشورهای ضعیف قرار می‌گیرد.

تأخیر و پیچیدگی روند و فرایند تشریفات گمرکی، پتانسیل دریافت رشوه برای تسهیل غیرقانونی این فرایند را بالا می‌برد و این امر انگیزه خروج بنگاه‌ها از مسیر قانونی و توسل به قاچاق را افزایش می‌دهد. قاچاق فقط به معنای وصول نکردن حقوق دولت نیست، بلکه آسیب‌های اجتماعی متعددی مانند عدم نظارت بر کیفیت کالاهای وارداتی و ضربه به تولیدات داخلی را نیز در پی خواهد داشت. از این‌رو کاهش هزینه‌های تجارت راهکار مناسبی برای رونق در فضای کسب‌وکار داخلی به حساب می‌آید.

جدول ۳ آسان‌ترین و سخت‌ترین شرایط صادرات در کشورهای مختلف

رتبه	آسان‌ترین کشورهای لازم			سخت‌ترین کشورهای لازم			رتبه‌های لازم		
	کشور	رتبه	کشور	کشور	رتبه	کشور	کشور	رتبه	کشور
۱	ایالات متحده	۱	ایالات متحده	ایالات متحده	۱	ایالات متحده	ایالات متحده	۱	ایالات متحده
۲	کانادا	۲	کانادا	کانادا	۲	کانادا	کانادا	۲	کانادا
۳	سوئد	۳	سوئد	سوئد	۳	سوئد	سوئد	۳	سوئد
۴	ژاپن	۴	ژاپن	ژاپن	۴	ژاپن	ژاپن	۴	ژاپن
۵	فرانسه	۵	فرانسه	فرانسه	۵	فرانسه	فرانسه	۵	فرانسه
۶	آلمان	۶	آلمان	آلمان	۶	آلمان	آلمان	۶	آلمان
۷	بریتانیا	۷	بریتانیا	بریتانیا	۷	بریتانیا	بریتانیا	۷	بریتانیا
۸	اسپانیا	۸	اسپانیا	اسپانیا	۸	اسپانیا	اسپانیا	۸	اسپانیا
۹	ایتالیای مرکزی	۹	ایتالیای مرکزی	ایتالیای مرکزی	۹	ایتالیای مرکزی	ایتالیای مرکزی	۹	ایتالیای مرکزی
۱۰	سوئیس	۱۰	سوئیس	سوئیس	۱۰	سوئیس	سوئیس	۱۰	سوئیس
۱۱	دانمارک	۱۱	دانمارک	دانمارک	۱۱	دانمارک	دانمارک	۱۱	دانمارک
۱۲	کره	۱۲	کره	کره	۱۲	کره	کره	۱۲	کره
۱۳	نیوزیلند	۱۳	نیوزیلند	نیوزیلند	۱۳	نیوزیلند	نیوزیلند	۱۳	نیوزیلند
۱۴	هلند	۱۴	هلند	هلند	۱۴	هلند	هلند	۱۴	هلند
۱۵	ایالات متحده	۱۵	ایالات متحده	ایالات متحده	۱۵	ایالات متحده	ایالات متحده	۱۵	ایالات متحده
۱۶	ایالات متحده	۱۶	ایالات متحده	ایالات متحده	۱۶	ایالات متحده	ایالات متحده	۱۶	ایالات متحده
۱۷	ایالات متحده	۱۷	ایالات متحده	ایالات متحده	۱۷	ایالات متحده	ایالات متحده	۱۷	ایالات متحده
۱۸	ایالات متحده	۱۸	ایالات متحده	ایالات متحده	۱۸	ایالات متحده	ایالات متحده	۱۸	ایالات متحده
۱۹	ایالات متحده	۱۹	ایالات متحده	ایالات متحده	۱۹	ایالات متحده	ایالات متحده	۱۹	ایالات متحده
۲۰	ایالات متحده	۲۰	ایالات متحده	ایالات متحده	۲۰	ایالات متحده	ایالات متحده	۲۰	ایالات متحده

Source: Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank and The International Finance Corporation, p. 56.

جدول ۴ آسان‌ترین و سخت‌ترین شرایط واردات در کشورهای مختلف

تاییدیه‌های لازم				اسناد لازم				روزهای لازم					
رتبه‌بندی آسان	کشور	گزینه آسان	کشور	رتبه‌بندی سخت	کشور	گزینه سخت	کشور	رتبه‌بندی آسان	کشور	گزینه آسان	کشور	رتبه‌بندی سخت	کشور
۵۱	جمهوری کنگو	۱	کوتایا	۱۸	آذربایجان	۳	دانمارک	۸۱	نیجریه	۵	دانمارک	۵	نیجریه
۵۳	نیجریه	۱	دانمارک	۱۸	فرانسه	۴	دانمارک	۹۲	رومانیا	۴	رومانیا	۴	رومانیا
۵۵	آذربایجان	۲	هلند	۱۸	فرانسه	۴	سوئد	۹۷	آذربایجان	۴	آذربایجان	۴	آذربایجان
۵۵	ایرانی	۱	آلمان	۱۸	سوئد	۴	آلمان	۱۱۱	چاد	۷	چاد	۷	چاد
۵۷	آذربایجان	۱	هلند	۱۸	آذربایجان	۴	آذربایجان	۱۱۱	سوئد	۷	سوئد	۷	سوئد
۶۰	مغلی	۱	سوئد	۱۹	آذربایجان	۴	هلند	۱۲۳	آذربایجان	۸	آذربایجان	۸	آذربایجان
۷۱	نیجریه	۲	آذربایجان	۱۹	آذربایجان	۴	آذربایجان	۱۲۴	آذربایجان	۸	آذربایجان	۸	آذربایجان
۷۵	آذربایجان	۲	آذربایجان	۱۹	آذربایجان	۴	آذربایجان	۱۲۷	آذربایجان	۹	آذربایجان	۹	آذربایجان
۷۵	ایران	۲	آذربایجان	۱۹	آذربایجان	۴	آذربایجان	۱۳۵	آذربایجان	۹	آذربایجان	۹	آذربایجان
۸۰	جمهوری مکزیک	۲	آذربایجان	۱۹	آذربایجان	۴	آذربایجان	۱۳۹	آذربایجان	۹	آذربایجان	۹	آذربایجان
۹۵	ایران	۲	آذربایجان	۱۹	آذربایجان	۴	آذربایجان	۵۱	آذربایجان	۹	آذربایجان	۹	آذربایجان

Source: Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank and The International Finance Corporation, p. 57.

۶ تأثیر ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بر بخش تجارت

با توجه به ماهیت اصل ۴۴ قانون اساسی درباره تعیین حدود بخش‌های مختلف نظام اقتصادی کشور هر تغییری در بخش‌ها به دلیل تغییر در روش کار، تحول در کارایی، ترکیب و کمیت نیروی کار در تمامی شاخص‌های اقتصادی کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد. درباره رابطه و تأثیر این ابلاغیه بر شاخص‌های اقتصادی با توجه به اختلاف نظرهای مختلف استدلال‌های متفاوتی وجود دارد. پیرامون ارتباط اجزای مختلف این ابلاغیه با بخش تجارت می‌توان به مواردی به شرح زیر اشاره کرد:

الف. تأثیر مستقیم بر بخش تجارت از طریق اجرای بند «الف» سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری به شکل اجازه سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت بخش خصوصی در بخش بازرگانی خارجی در چارچوب سیاست‌های تجاری و ارزی کشور.

ب. تأثیر غیرمستقیم بر بخش تجارت از طریق اجرایی کردن سیاست‌های بند «ب» ابلاغی پیرامون بخش تعاون (افزایش سهم بخش تعاون، حضور تعاونی‌ها در حوزه‌های مختلف، تشکیل بانک توسعه تعاون، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و تأسیس تعاونی‌های فراگیر)

ج. تأثیر غیرمستقیم بر بخش تجارت از طریق اجرای سیاست‌های بند «ج» ابلاغی به شکل اجازه واگذاری فعالیت‌های مختلف اقتصادی (صنایع بزرگ و مادر، معادن، بانکداری، بیمه، برق، پست، مخابرات، راه، راه‌آهن و هواپیمایی) از بخش‌های دولتی به بخش غیردولتی. اولین گام در راستای اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴، دستیابی به الزامات لازم است. هرچند استفاده از ابزار قانون‌گذاری به معنای شروع اصلاحات در نظام اقتصادی از بعد حقوقی خواهد بود، ولی این سیاست‌ها وقتی به صورت عملی و واقعی اجرایی خواهند شد که پیش‌زمینه اجرایی شدن آن‌ها فراهم شود.

دستیابی به اهداف سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری از دو طریق میسر است. شیوه اول که راهکاری مشابه خصوصی‌سازی دارد، واگذاری فعالیت‌های بخش دولتی به بخش غیردولتی است و شیوه دوم توسعه و گسترش فعالیت بخش غیردولتی است. با توجه به تجربه‌ای که در چند سال گذشته درباره خصوصی‌سازی به دست آمده، اجرایی شدن سیاست‌های اصل ۴۴ از طریق خصوصی‌سازی به اشکال مختلف در دستور کار قرار گرفته، ولی به موضوع بسترسازی لازم برای فعالیت بخش غیردولتی توجه چندانی نشده است. مطالب ذکر شده پیرامون آسیب‌شناسی فضای کسب‌وکار نشان می‌دهد که در گام اول

باید بیش‌تر به راهکارهایی پرداخت که مستلزم عملیاتی شدن بند «الف» سیاست‌های ابلاغی باشد و شاید به همین دلیل نیز توجه به اصلاحات در بخش فضای کسب‌وکار به عنوان اولین بند از سیاست‌های ابلاغی مد نظر مقام معظم رهبری قرار گرفت و سیاست‌های مرتبط با واگذاری در بند «ج» حدود یک‌سال بعد ابلاغ شد. بنابراین برای پیش‌زمینه اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ باید نگاهی ویژه به راهکارهای اجرایی شدن سیاست‌های بند «الف» داشته باشیم. این درحالی است که بیش‌تر سیاست‌ها و تلاش‌ها در بخش‌های دیگر مانند بندهای «ب» و «ج» انجام شده است و به‌نظر می‌رسد اجرا نکردن سیاست‌های اجرایی بند «الف» مانع و چالشی برای اجرای سیاست‌های بند «ب» و «ج» نیز خواهد شد.

نتایج حاصل از این مطالعه را در چند مورد به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

- یکی از شروط اصلی اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اصلاح فضای کسب‌وکار و توانمندسازی بخش غیردولتی است، زیرا از طرفی بخش خصوصی باید در فعالیتهایی دخالت کند که تاکنون از فعالیت در آن‌ها جلوگیری شده است و از طرف دیگر بنگاه‌ها و فعالیتهای واگذار شده به بخش غیردولتی باید این توانایی را کسب کنند که قدرت رقابت با بخش دولتی رقیب را داشته باشند.

- اصلاح فضای کسب‌وکار تأثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی دارد. آسان‌سازی فضای حاکم بر کسب‌وکار یکی از عوامل ایجاد انگیزه برای فعالیت در بخش رسمی اقتصاد است. مقررات پرهزینه، زمانبر و پیچیده موجب شده بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی به فعالیت در بخش غیررسمی متمایل شده و با توجه به عدم امکان سرمایه‌گذاری بزرگ و نظارت و ثبت رسمی در بخش غیررسمی، بهبود شاخص‌های اقتصاد کلان در سطح نازلی باقی می‌ماند. بنابراین اصلاح فضای کسب‌وکار در راستای آسان‌سازی مقررات مربوطه اولین گام برای دستیابی به سطح تولید مطلوب، بهره‌وری در بخش رسمی، ایجاد فرصت‌های شغلی و امکان اعمال سیاست‌های حمایتی است و برای اجرایی شدن سیاست‌های کلی و گسترش فعالیت بخش غیردولتی ضروری و حیاتی است.

- اصلاح فضای کسب‌وکار کشور در گرو اصلاح شاخص‌های مربوط به این حوزه است که بخش‌های متنوعی شامل شروع کسب‌وکار، دریافت مجوز، استخدام و اخراج نیروی کار، ثبت دارایی‌ها، تأمین تسهیلات، حمایت از سرمایه‌گذاری، پرداخت مالیات، تجارت خارجی، تضمین قراردادهای و ورشکستگی را دربرمی‌گیرد. انجام اصلاحات در این بخش‌ها می‌تواند ضمن تحقق اهداف رشد اقتصاد کلان رتبه نازل ایران (۱۰۸ در میان ۱۵۵ کشور) را بهبود بخشد.

• پویایی و رونق فضای کسب‌وکار در بخش تجارت خارجی تبلور می‌یابد. به همین دلیل اصلاحات در بخش تجارت خارجی از حلقه‌های اساسی فضای کسب‌وکار است. اصلاح شیوه‌های تجاری بر اساس روش‌های نوین موجب کاهش انگیزه برای استفاده از ابزارهای غیرقانونی شده و با جلوگیری از قاچاق، ضمن وصول حقوق دولت از آسیب‌های اجتماعی مانند نظارت نکردن بر کیفیت کالاهای وارداتی و ضربه به تولید داخلی نیز جلوگیری می‌کند.

پیشنهادها

با توجه به چارچوب این مقاله پیشنهادهای مربوطه در سه سطح ارائه می‌شود:

- سطح اول:** تأکید بر اجرای سیاست‌های اصلاحی در راستای توانمندسازی بخش غیردولتی کلید تحقق اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی،
- سطح دوم:** بهبود شاخص‌های فضای کسب‌وکار (شامل ۱۰ حوزه، شروع کسب‌وکار، شرایط اخذ مجوز، استخدام و اخراج نیروی کار، ثبت دارایی‌ها، دریافت تسهیلات بانکی، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت خارجی، تضمین قراردادهای و تعطیلی کسب‌وکار) به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر شاخص‌های کلان اقتصادی مانند رشد تولید و ایجاد اشتغال در بخش رسمی،
- سطح سوم:** اصلاح سیاست‌های تجاری یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر فضای کسب‌وکار و رشد اقتصادی با ابزارها و سیاست‌های ذیل:
- ارتقای سطح توانایی تولید محصولات صادراتی،
 - شناخت و حفظ بازارهای تجاری،
 - استفاده از استراتژی و سیاست تجاری ثابت، شفاف، قاطع و منطبق با اصول اقتصادی و جلوگیری از نوسانات آن با توجه به تأثیر مستقیم بر فضای کسب‌وکار،
 - ثبات لازم در نرخ‌های تعرفه مربوط به واردات و صادرات و جلوگیری از تغییرات آنی و فزاینده بدون تحلیل کارشناسی نتایج حاصل از اقدام‌ها،
 - حذف محدودیت‌های مقداری و مشروطی در صادرات و واردات،
 - استفاده مناسب از دامپینگ برای توسعه محصولات و بازارهای صادراتی،
 - استفاده از قوانین ضد دامپینگ برای حمایت از تولیدات داخلی دارای مزیت،
 - تنظیم نرخ جرائم تجاری مربوط به تخلف از رویه‌های قانونی تجاری،
 - تنظیم روابط تجاری در سطح بین‌الملل،

- استفاده از قراردادهای تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی (دو یا چندجانبه و WTO)،
- افزایش سطح رقابت‌پذیری میان بخش دولتی و غیردولتی و توانمندسازی بخش غیردولتی با هدف کاهش تعداد روزها، اسناد و تأییدیه‌های لازم برای تشریفات تجاری با اقدامات و سیاست‌های کاربردی مانند موارد ذیل:
- استفاده از ابزار گیشه واحد برای تمام امور گمرکی، دریافت اسناد تجاری لازم و پرداخت حقوق و عوارض مربوط،
- ادغام و تجمیع تأییدیه‌های مختلف،
- کاهش تعداد طبقات مختلف تعرفه‌ای،
- ساده‌سازی بازبینی‌ها و ارزیابی‌های گمرکی،
- حذف بازرسی‌های قبل از حمل،
- اخذ اظهارنامه به صورت کامپیوتری و الکترونیکی،
- کاهش سقف زمانی لازم برای تشریفات گمرکی،
- تعیین سقف زمانی برای امور گمرکی،
- امکان طرح خسارت از طرف افراد در صورت تجاوز از سقف زمانی تعیین شده،
- تشکیل پرونده تجاری و اسناد گمرکی به صورت الکترونیکی،
- استفاده از مدیریت ریسک در بازرسی و بازبینی محموله‌ها،
- کاهش و لغو مجوزهای متعدد برای کالاهای مختلف،
- ایجاد زیرساخت و سخت‌افزار مورد نیاز برای تجارت (بنادر، گمرکات، و ...)،
- استفاده از ابزارهای اتوماسیون برای پرداخت حقوق ورودی و صدور،
- فعالیت سفارتخانه‌ها و دفاتر دولتی خارج از کشور برای ارائه امکانات بازاریابی و بازاریابی و بازاریابی و بازاریابی به بخش غیردولتی.

منابع و مأخذ

«انجام کسب‌وکار در سال ۲۰۰۶ (ایجاد فرصت‌های شغلی)»، بانک جهانی و شرکت تأمین مالی بین‌الملل (در حال انجام در سال ۱۳۸۶)، مترجم جعفر خیرخواهان، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

بند «ج» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی ۱۳۸۵/۴/۱۱
مقام معظم رهبری.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی ۱۳۸۴/۳/۱
مقام معظم رهبری.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با رعایت اصلاحات سال ۱۳۶۸)، شورای بازنگری قانون اساسی، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، اداره تبلیغات و انتشارات، ۱۳۸۲.

Bentata, Hoet & Asociados, Guide to Doing Business in Venezuela, Caracas, Venezuela, 1996.

Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank And The International Finance Corporation, 2006.

Doing Business in Afghanistan: "A Country Commercial Guide for U.S. Companies", international copyright u.s. foreign commercial service and u.s. department of state, all rights reserved outside of the united states, 2005.

Doing Business in Canada Lang Michener LLP, langmichener.ca.

Doing Business in Russia, KPM international, a Swiss Cooperative, April 2006.

Doing Business in the United States, PKF North American Network and PKF International, 2005.